



آیا کودکان توان عقلی فهم نظریات فلسفی را دارند؟

فلسفه به مجموع آراء و نظریات اندیشمندان درباره هستی یا جهان، شناخت و ارزش اطلاق می‌شود.

فلسفه برای کودکان /

آیا کودکان توان عقلی فهم نظریات فلسفی را دارند؟

خبرگزاری مهر- فلسفه به مجموع آراء و نظریات اندیشمندان درباره هستی یا جهان، شناخت و ارزش اطلاق می‌شود. در این معنا فلسفه، رشته‌ای از دانشهای بشر تلقی می‌گردد. باید دید آیا کودکان از لحاظ توان عقلی در سطحی قرار دارند که بتوانند با آراء و نظریات فیلسوفان آشنا شوند؟ در وهله اول باید معنای آموزش فلسفه به کودکان را بیان نمود. فلسفه به مجموع آراء و نظریات اندیشمندان درباره هستی یا جهان، شناخت و ارزش اطلاق می‌شود. در این معنا فلسفه، رشته‌ای از دانشهای بشر تلقی می‌گردد. باید دید آیا کودکان از لحاظ توان عقلی در سطحی قرار دارند که بتوانند با آراء و نظریات فیلسوفان آشنا شوند؟ بدون تردید طرح نظریات فلسفی یا آنچه در مکتبهای مختلف فلسفی مطرح شده است برای کودکان و نوجوانان نه جالب است و نه با سطح رشد عقلانی آنها تناسب دارد.

“فلسفه برای کودکان” یک برنامه آموزشی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان افکار پیچیده خود را شکل دهند. از این رهگذر استدلال، تفکرات انتقادی، خلاقانه و نועدوستی آنها نیز زیاد می‌شود. این برنامه نظام مند و تدریجی است که بیشتر برای کار روی کودکان 4 تا 18 ساله طراحی شده است.

با در نظر داشتن علایق کودکان و با توجه به این موضوع که آنها را بیشتر تحریک کنند و این مساله با کارهای روش مند به اجرا در می‌آید. این برنامه به گونه ای طراحی شده است که کنجکاوی و اعجاب کودکان را بر انگیزد.

هدف این است که به بالاترین میزان فکر سامان یافته، در مجموعه ای از سئوالات دست پیدا کرد. این برنامه در جوامعی اجرا می‌شود که اعضای آن جامعه به سختی کار می‌کنند به منظور این که چیزهای بیشتری بدانند، به علاوه قصد دارند که به معنای جهان و جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند نیز پی ببرند.

از آنجا که هدف فلسفه برای کودکان تولید رفتارهای فلسفی در آنهاست تا آنها بتوانند آمادگی قابل قبول در بیانات کلامی داشته باشند، مناسبترین روش شناسی تربیتی و آموزشی، بحثهای فلسفی است. با وجود منابع مختلف، شروع کردن از پایه مکالمه و دیالوگ بهترین راه است. چرا که کلاسهای گفتگو و بحث آزاد مناسب ترین محیط برای بچه هاست تا با افکار یکدیگر آشنا شوند. ادب گوش دادن به صحبتهای طرف مقابل را فرا گیرند و بر احساس نادرست خود که آنچه را که می‌خواهند بگویند نامعقول و نابجاست، فائق آیند به گونه ای که تجربه ای که از دیگران به دست می‌آورند برای آنها همانند یک درس باشد.

تغییر شکل یک کلاس به جلسه پرسش و پاسخ امری ضروری به نظر میرسد، زیرا بچه ها را بر می‌انگیزد تا در سطحی بالاتر از آنچه به تنهایی انجام می‌دادند. فکر و عمل کنند. یک جلسه پرسش و پاسخ واقعی بر مبنای احترام متقابل شکل می‌گیرد و بطور معمول اعضای آن داوطلبانه به دنبال قبول مسوولیت می‌روند.

با گفتگوها و بحثهای فلسفی در جلسه پرسش و پاسخ، ممکن است که کودکان به نتایج خاص خودشان دست یابند. فلسفه روی یک منطق محکم پافشاری دارد، اما تنها بعنوان وسیله ای که منجر به تفکر کار او و موثر شود نه به معنی دستیابی به یک تطابق کلی میان تمام نظرات. این برنامه روی روند گفتگو تاکید دارد نه روی رسیدن به یک نتیجه خاص (روند کار با ارزش است، نه محصول آن). با این که هیچ موضوع فلسفی آموزش داده نشده است، معلم باید از راههای فلسفی معمولی و عادی برای فک کردن و سئوال کردن استفاده کند. بتدریج دانش آموزان پی می‌برند که بحثهای فلسفی الگوهای متفاوتی از بحثهای دیگر دارند. آنها می‌فهمند که می‌توانند نظرها، تجربه ها و دیدگاههای خود را با یکدیگر رد و بدل کنند. آنها یاد می‌گیرند که به آرای دیگران احترام بگذارند و اهمیت این موضوع را که باید برای پیشنهادهای خود دلیل بیاورند، در می‌یابند.